



۲۰۱۶/۰۹/۰۱

استاد بصير صباح

غني! باوجدان افغاني مدیریت و با همت وطنی عمل کن

بخش اول



خسونت و جنگ همه جا را گرفته و صحبت از وطن دوستی و خدمتگاري ابلهی است.

دیر گاهی است در چراگاه های ما

گرگ ها با خسونت بر گله میس ها می زنند

می درند خون برپا می کنند.

دیر گاهی است روباه ها با حیله و ریا به دنبال آزار خرگوش هایند.

و کرگس ها بیرحمانه چشمان لاشه ها را از کاسه بیرون می کنند.

و انسان آشفته و مبهوت می پرسد:

آیا می شود باز هم فریب قاتلان و چپاولگران را خورد!؟

قابل توجه اشرف غنی رئیس جمهور!

آقای غنی! باوجدان بیدار و با غیرت و شهامت افغانی به این باندیش که یک و نیم دهه میشود در قندهار، هلمند، ارزگان، زابل، غزنی، لوگر، وردگ، پکتیا، پکتیکا، خوست، ننگرهار، کنر، کندر، بغلان و... آتش جنگ و بیداد و ستم، خانه و زندگی مردم را به کام نیستی و نابودی کشانده و یک نسل از فرزندان قری و قصبات این مناطق را از بین برده است ولی تو احساساتی مشت به میز می کوبی و تمام دار و ندار وطن را در جیب تفنگداران جنگ سالار

میریزی. بیا صادقانه از تقسیم « پنجاه پنجاه » بگزر و از ملت معذرت بخواه و بانکها و چوکی ها را به گروپ مشخص چپاولگر رها کن تا ملت با این قاتلان تصفیه حساب نمایند و چپاول و غارت سرمایه های ملی را از کیسه های شان بیرون آورند.

متأسفانه، تو گاهی به میخ میزنی و گاهی به نعل و مانند کرزی جنایت نابخشودنی را مرتکب می شوی. کرزی فقط یک حرف را میدانست و میداند که باید از نیرو های خارجی شکایت نماید ولی از اینکه وطن، ثروت ملی و افتخارات وطنی را در جیب سران قاتل و چپاولگر جهادی ریخته و خائنانه خم به ابرو نمی آورد. بلی جناب غنی! سالها میگذرد، اما مردم هنوز هم در سایه تفنگ، فساد، استبداد و آدمکشی جنگ سالاران بسر برده و زندگی برای مردم بی واسطه و فقیر شکنجه آور و دردناک است. فقط تفاوت آنان با یک دهه قبل اینست که عوض ریش و پکول، بعضی از کلمات مانند «دموکراسی»، «انتخابات» و غیره را یاد گرفته و با آن بازی می کنند. قوماندان ها و جنگ سالاران غارتگر و آدمکش از راه رذالت و چپاول و فساد و قاچاق مواد مخدر به میلیونر ها مبدل شده اند.

چپاول و غارتگری علنی

چرا بی عاطفه این روزگار است؟

که هرکس با دل ما ناسازگار است

وطن در خون و مردم خون رنگ شد

به تقویم سیاهی ماند گار است

آقای رئیس! تیکه داران جهاد، چون دبل عبدالله، تورن اسماعیل، رسول سیاف، یونس قانونی، بسم الله محمدی، گل آقای شیرزی، امرالله صالح، عطا محمد چور، اکبری، بصیر سالنگی، صلاح الدین ربانی، ضیاء مسعود، ولی مسعود، امان الله گذر، تاج محمد وزیر داخله ... تلاش هایی را آغاز کرده اند تا دولت را به مشکل مواجه بسازند. اینان می خواهند برای حفظ قدرت شان، یک نیروی مسلح جهادی را بسیج نمایند که به همین هدف تاکنون چندین جلسه را در کابل، و شمالی برگزار کرده اند. اسماعیل وزیر انرژی و آب در یک جلسه در ولایت هرات گفته بود که برای دفاع از افغانستان یک شورای سراسری مجاهدین را تشکیل می دهد. آگاهان سیاسی و مقامات امریکایی با این اظهارات اسماعیل خان مخالفت کرده و آن را به ضرر کشور دانستند.

والی بلخ می گوید: " افغانستان متشکل از مجاهدین است، همه مجاهد اند، برخی از اعضای کابینه و تعداد زیادی از قوماندان های امنیه ولایات و مسؤولین ارگان های امنیتی، مجاهد هستند و مجاهدین قابل تقدیرند. اگر افتخارات جهاد را از آنها بگیرند، چیزی برای آنها باقی نمی ماند."

رئیس جمهور غنی! گفته می شود که در ده سال هشتاد میلیارد دالر به افغانستان آمده است اگر ۲۰ میلیارد از این پول در افغانستان درست مصرف می شد چهار افغانستان کاغذ پیچ ساخته می شد.

تمام سرک هایی که در افغانستان ساخته می شود بعد از سه ماه کاملاً تخریب می شوند و از بین می روند و چند ماه بعد دوباره بازسازی می شوند. در افغانستان دو نوع فساد است. یکی فساد خورد و یکی فساد کلان، که به میلیون ها دالر می رسد. فساد خورد را مأمورین دولتی و پولیس انجام می دهد و فساد کلان در سطح وکلاء، وزراء و سناتور

و... به میلیون ها دالر در قرارداد ها تبادل می شود که وزارت داخله و دیگر مسؤولان در برابر این مفسدین سکوت می کنند که یا دستشان با این مفسدین یکی است و یا از افشای حقایق می ترسند.

در چنین وضعی چگونه می توان به آینده روشنی دل خوش کرد و چگونه می شود از احیای ارزش های انسانی و تغییری که قرار است در زندگی انسان هایی که به حکم طبیعت در افغانستان زاده شده اند سخن گفت؟ چگونه می شود اطمینان داشت که مسعود مرده است، حکمتیار از دیده ها نمانده و ملا عمر دیگر بر نمی گردد؟ چطور می شود میان سیاف و ملا عمر تفاوت گذاشت، عطا محمد و اسماعیل با مسعود چه فرقی دارد؟ فهمیم، قانونی، محسنی و شنواری چه تغییری کرده اند و کرسی جز فساد، بی پناهی و مافیای کدام تجربه جدیدی خلق کرده است تا بتوان به تغییر، بهبودی و بهتر شدن امید وار بود؟

جناب غنی! در دوازده سال کرسی و هم دستانش دست یکی کرده این افتخارات را نصیب افغانستان کردند:

— افغانستان به مرکز ترکتازی و تمرین جنگ حدود ۵۰ کشور جهان مبدل گشت و دهها هزار هموطن ما بیدریغ بوسیله این نیروها و تروریست های طالبی قتل عام شدند.

— افغانستان در میان بیش از دو صد کشور جهان مقام اول را در کشت و تولید مواد مخدر کسب کرد و به پایتخت مافیای مواد مخدر جهان مبدل گشت.

— افغانستان دومین کشور فساد جهان مسمی شد.

— افغانستان در کنار عراق در ردیف نا امن ترین و پر خشونت ترین کشور های جهان قرار گرفت و هنوز هم لانه امن تروریست ها و آدم کشان است.

— افغانستان پس از سودان به فقیر ترین و نادار ترین کشور جهان تبدیل شد و در پایین ترین رده لیست انکشاف انسانی ملل متحد جا گرفت.

— افغانستان در زمینه خشونت علیه زنان در صدر کشور های جهان باقی ماند.

— افغانستان با داشتن شش میلیون بیکار و چهارده میلیون گرسنه ریکارد جهانی قایم کرد.

— بنابر آمار رسمی بیش از یک میلیون انسان معتاد به مواد مخدر مرگ تدریجی را سپری میکنند

— افغانستان با وجود سرازیر شدن میلیارد ها دالر کمک در بخشهای مختلف هنوز هم بیشترین آمار مهاجرت را دارد.

شش میلیون مهاجر تنها در ایران و پاکستان تحقیر و توهین شدن را بر برگشتن در کشور مافیایی شان ترجیح میدهند.

— دست درازی و مداخلات خائنانه دولتهای مستبد ایران و پاکستان بیش از هر زمان دیگر در وطن ما وسیعتر گشت و جواسیس شان تا بالاترین رده های قوه سه گانه دولت افغانستان جابجا شدند.

— بی سواد، وضعیت بد صحتی، ناکارایی اداره های دولتی، وضعیت اسفبار کودکان، شرایط تکان دهنده محیط

زیست به ویژه در پایتخت، بیچارگی و ناتوانی اردو و پولیس، اخوان زدگی و بنیاد گرایی زدگی معارف و نهاد های

تحصیلات عالی و ده ها مورد بیچارگی و بدبختی دیگر همه و همه از دستاورد های دوازده ساله ارگ نشینان و

غلامان دست به فرمان امریکا و غرب است که در رأس آن کرسی قرار داشت.

بوی فساد، چور و چپاول و ناکارایی کرسی و تیم حاکم آنقدر بالا گرفت بود که به منظور خاک زدن بر چشم مردم،

برای صدمین بار جهاد دروغین علیه فساد اعلام کرد. کرسی گفت «دیگر یک رئیس جمهور مصلحت گرا نخواهد

بود و از راه سازش و مدارا پیش نخواهد رفت.» او برای سرپوش گذاشتن روی مرداری ها آنقدر دست و پاچه شده بود که در نخستین اقدام با ساخت و بافت با پارلمان دو وزیر ارشد خود را کنار زد.

بسم الله محمدی وزیر داخله و از جنگسالاران ائتلاف شمال و عبدالرحیم وردک وزیر دفاع و از قوماندان های سابق جهادی و از مهره های اصلی امریکا در افغانستان که از برکت پولیس و اردو و شرکت های خصوصی شان به سرمایه های هنگفت دست یافتند. در همین حال خبر دستبرد میلیون ها دالر از جانب بسم الله در شفاخانه سردار داوود و از سوی عمر زاخیلوال وزیر مالیه و اسماعیل خان نیز بالا گرفت و اداره بدون اختیار و نامنهاد «مبارزه با فساد اداری» نیز مدعی بود که دوسیه چهار وزیر برحال دیگر کابینه را هم به خارتوالی سپرده است. اما کرزی تا آخرین روز با همین وزیران و والیان فاسدش «جهاد علیه فساد» را ادامه داد و وزیران نا کارآمد داخله و دفاع را «وزیران شایسته» نامیده، طبق حاتم بخشی های گذشته، بالاترین مدال های دولتی را به این دو تفویض نمود که این همه مداری گری های او حتی سگ و پشک افغانستان را به خنده واداشت.

آقای غنی! سیاف با داشتن ۳۹ محافظ، حاجی الماس ۲۰ محافظ، یونس قانونی ۲۹ محافظ، ملا عزت الله عاطف ۲۳ محافظ و فضل الهادی مسلم یار ۱۸ محافظ. چرا اینان چنین می کنند؟؟؟ اگر اینان مجاهد و نمایندگان جامعه اند پس گارد و بادبگارد چرا؟؟؟ و اگر خائن و قاتل اند پس جواب ستم های شانرا خواهند داد.

رئیس جمهور کشور!

این موترها و وسایل نقلیه از خون ملت خریداری شده و چرا به یغما برده می شود؟؟؟ و اگر اطلاع نداری پس بخوان: ۴۵ عراده موتر گرانقیمت را که ۲۳ عراده آن وسایط زرهی یا ضد گلوله است، مقام های حکومتی حامد کرزی با تمام وظایف رسمی شان در حکومت، با خود برده اند. جزئیات قرار ذیل است: هشت عراده موتر زرهی و غیر زرهی دولتی شامل یک عراده جیب زره، یک عراده نیسان زره، دو عراده پرادو، دو عراده صرف و یک عراده کرولا در اختیار دفتر و منزل حامد کرزی، رئیس جمهور پیشین کشور است.

سه عراده موتر لندکروزر زره در اختیار محمد یونس قانونی معاون اول رئیس جمهور سابق است. دو عراده لکسس در اختیار محمد کریم خلیلی، معاون دوم حامد کرزی رئیس جمهور سابق است. عالم ساعی، مشاور سابق ریاست جمهوری یک عراده لندکروزر زره و یک عراده پیکپ هایلکس، میرویس یاسینی نایب اول سابق مجلس نمایندگان یک عراده لندکروزر زره،

قاسم کارمند منزل حامد کرزی یک عراده نیسان زره،

پادشاه خان خدران عضو سابق ولسی جرگه یک عراده لندکروزر زره،

اسماعیل خان وزیر سابق انرژی و آب یک عراده لندکروزر زره،

داوودعلی نجفی وزیر سابق ترانسپورت یک عراده لندکروزر زره،

پسر ملا نقیب الله آخذ زاده یک عراده لندکروزر زره،

محمد نبی فراهی وزیر سابق دولت در امور پارلمانی یک عراده لندکروزر زره،

عبدالکریم خرم رئیس دفتر رئیس جمهور سابق یک عراده لندکروزر زره و یک عراده پیکپ،

صادق مدیر رئیس سابق اداره امور یک عراده لندکروزر زره و یک عراده کرولا،

حاجی نعمت الله شیردلی وکیل شورای ولایتی قندهار یک عراده پیکپ هایلکس زره،

عبدالکریم متین والی سابق پکتیا یک عراده پیکپ فورد زره،
سائره شریف، آرین یون، شینکی کروخیل، حمیرا ایوبی، گلالی نور صافی و مسعوده کروخی از اعضای ولسی
جرگه، هر کدام یک عراده لندکروزر زره بدون نمبر پلیت.
اسناد به دست آمده نشان می دهد بقیه وسایطی که از میان ۴۵ عراده در اختیار مقام های سابق حکومتی و اشخاص
غیر حکومتی است شامل کروولا، سرف، پیکپ، پرادو و نیسان می شود که به عنوان تعقیبی و خدمتی در اختیار
شماری از افراد از جمله:

امان الله تیموری خلج، رئیس شورای عدالت اجتماعی،

غلام محمد هوتک از مسؤولان حزب حرکت،

کریم باز معین سابق دفتر وزیر دولت در امور پارلمانی،

داوود شاه نیازی عضو سابق ولسی جرگه،

دفتر کریم خرم،

داکتر صادق مخدوم متنفذ قومی در جوزجان،

یحیی معروفی مشاور سابق ریاست جمهوری و شماری از اعضای ولسی جرگه می باشد که تاکنون توسط اداره امور
که مسؤولیت توزیع این موترها به دستور حامد کرزی را داشته جمع آوری نگردیده است.

عبدالروف ابراهیمی رئیس ولسی جرگه یک عراده لندکروزر زره دار،

حاجی محمد نذیر احمدزی یک عراده لندکروزر زره،

بلقیس مدقق یک عراده تیراکان،

حمیده احمدزی یک عراده پرادو،

نواب منگل یک عراده پیکپ هایلکس زره،

گل پادشاه مجیدی یک عراده جیب زره،

جعفر مهدوی یک عراده پیکپ

شهزاده شاهد یک عراده پرادو،

دو عراده لندکروزر زره به صبغت الله مجددی رئیس سابق مجلس سنا،

دو عراده لندکروزر زره بدون پلیت به هدایت امین ارسلا،

یک عراده پرادو به عبدالغنی کاظمی مشاور سابق ریاست جمهوری،

یک عراده لندکروزر زره به غلام جیلانی پوپل رئیس سابق اداره ارگان های محل،

یک عراده لندکروزر زره خدمتی برای منزل،

یک عراده لندکروزر زره بدون نمبر پلیت به عطاء الله لودین والی سابق ننگرهار.

پایان بخش اول

ادامه دارد...